

پایندای آفتاب

www.ketab.ir

امان‌الله حامدی‌فر

سرشناسه: حامدی فر، امان‌الله، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور: بر بلندای آفتاب (۱) / نویسنده
امان‌الله حامدی فر؛ ویراستار محبوبه سپهری.
مشخصات نشر: مشهد: نوید فتح، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۳۵۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۸۴۴-۳-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۵
Persian fiction -- ۲۱st century
موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. -- داستان
Fiction -- ۱۹۲۵ -- ۱۷۷۹ -- Qajars -- History -- Iran
رده بندی کنگره: PIR۳۴۱
رده بندی دیویی: ۸۳/۶۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۸۷۷۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

بر بلندای آفتاب (۱)

نویسنده: امان‌الله حامدی فر		
طراحی جلد: حامد امامی	صفحه‌آرایی: جعفر صالحی	ویرایشگری: سپهری
نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۲	چاپخانه: دقت	شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۸۴۴-۳-۵		قیمت: ۲۴۵,۰۰۰ تومان
آدرس: مشهد، آیت‌الله عبادی ۳۳، شهید خزائی ۵، پلاک ۳۷		
تلفن نشر: ۰۹۱۵۲۰۸۳۶۶۷		
نشر نوید فتح در اینستاگرام، تلگرام، ایتا و بله: @n.navidefath		

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۱۱	مقدمه.....
۱۴	فصل اول.....
۱۴	شیرعلی و مدیر (مکتب خانگی) سلطان.....
۱۷	دوران جوانی شیرعلی و مدیر.....
۲۵	طبل جنگ با روس به صدا درآمد.....
۳۴	اعزام به جبهه‌ی جنگ با روس.....
۴۳	پایوس امام هشتم علیه السلام
۵۲	پیوستن به گروه اعزامی.....
۶۲	وصل شدن به قوای حسینقلی خان.....
۶۹	خط پدافندی در محور جنگل.....
۷۴	عملیات آفندی.....
۸۱	شکست پس از عزل و توییح مجاهدین.....
۸۶	شیرعلی پس از شهادت مدیر.....
۹۴	ازدواج شیرعلی با روضه گل.....
۹۸	فصل دوم.....
۹۸	مکتب خانگی شیرعلی.....
۱۱۱	شرارت‌های تکه‌های ترکمن.....
۱۱۷	فصل سوم.....
۱۱۷	عیوض و حجی ممه.....

۱۳۲	فصل چهارم
۱۳۲	امتحانی سخت برای مردان جلای
۱۴۴	انتخاب عیوض خان به عنوان فرماندهی مقاومت
۱۵۰	انتخابی سرنوشت ساز
۱۵۷	اولین شهیدان فیروزه
۱۶۸	سردار عیوض خان و دلاوران اسب تاز
۱۷۶	چون صاعقه بر سر دشمن
۱۸۷	تک های شبانه، دشمن را گیج و مبهوت کرد
۱۹۱	سردار عیوض خان و امیر شجاع الدوله
۱۹۶	حمایت پنهان خوانین محلی
۲۱۲	ملاشیرعلی، در باتجربه، در صحنه ی رزم
۲۱۵	غروب پنجشنبه
۲۱۹	ناپدید شدن حسین
۲۲۳	یحیی در بند
۲۲۶	نقش تیغه گل و زن های فیروزه
۲۳۲	خیانت قجری - تغییر تاکتیک
۲۴۰	رد پای روس ها در فیروزه
۲۴۲	مرگ امیر شجاع الدوله (رشید خان)
۲۴۴	فصل پنجم
۲۴۴	ماجرای مرگ امیر
۲۴۷	انتقام شهدای مسجد
۲۴۹	باز هم انتظار نیمه شبی برای رزمی دیگر
۲۵۴	شایعه پراکنی و تردید
۲۵۶	فصل ششم
۲۵۶	سردار، دلتنگ ملاشیرعلی
۲۶۳	کشته شدن شیرعلی و حشمت

۲۷۵	شبی به وقت انتقام
۲۸۶	تلاش روس ها برای کسب وجه از دست رفته
۲۸۸	رحیمه بعد از کشته شدن نادر
۲۹۴	انتقال پیکر نادر و شیرمحمد به فیروزه
۲۹۶	فیروزه زیر چکمه ی روس ها
۳۰۱	فصل هفتم
۳۰۱	حیدرمرگان به مقاصد پیوست
۳۲۲	ازدواج حیدرمرگان و رحیمه
۳۲۹	ازدواج حجبی ممه با رحیمه
۳۳۳	روس ها به دنبال ایجاد شادمانی
۳۳۷	فصل هشتم
۳۳۷	خیانت نوروز و بدرخان
۳۴۶	تیغه گل، ادامه ی نبرد

www.ketab.ir

پیشگفتار

رمان «بربلندای آفتاب» براساس واقعه‌ی تاریخی که در دوران حکومت قاجار اتفاق افتاده، نوشته شده است. در این کتاب نویسنده تلاش کرده پیرامون واقعه‌ی دردناک جدایی بخشی از سرزمین ایران براساس قرارداد آخال بین ایران و روسیه قلمزنی کند و مقاومت دلاورمردان کرمانج تیره‌ی جلالی را در شمال شرق کشور باز گوید؛ لذا تحقیقاتی در این راستا انجام شد.

ماجرای اصلی این بخش از تاریخ بدین شکل بوده که سردار عیوض خان و یارانش در برابر روس‌ها تسلیم نمی‌شوند و مقاومت می‌کنند. آن‌ها نه شاه قجری را تمکین می‌کنند و نه به روس‌ها اجازه‌ی تصرف در سرزمین اجدادی‌شان را می‌دهند. در این راه می‌جنگند و سختی‌ها و آوارگی‌ها را تحمل کرده تا جان به جان آفرین تسلیم می‌کنند؛ اما به دلایلی مانند حاکمیت تمام‌دلی دیکتاتور قاجار و پهلوی، واقعه‌ی مهم نبرد نابرابر تعداد اندکی از جوانان کرمانجی در برابر امپراتوری روس، در تاریخ این سرزمین به فراموشی سپرده می‌شود.

مزار جوانان شهید تیره‌ی جلالی در خاک ترکمنستان قرار گرفته و رژیم کمونیستی، فیروزه را به تفرجگاه سران حکومت ترکمنستان تبدیل کرده و آثاری از تمدن فیروزه، باقرو مزار آن دلاوران باقی نگذاشته است و مردم مانده در غربت نیز توسط رژیم‌های تزاری و سپس کمونیستی پراکنده شده‌اند و از تاریخ و فرهنگ

گذشته‌ی خود فاصله گرفته‌اند. به همین سبب نویسنده احساس تکلیف کرده و رمانی را با شخصیت پردازی‌ها و حوادث ذهنی اش - که به واقعیت نزدیک باشد - نوشته است.

استاد کلیم الله توحیدی، نویسنده‌ی کتاب ارزشمند «حرکت تاریخی کرد»، معتقد است جنازه‌ی سردار عیوض خان در تپه‌ی قیزقاولی (کاکلی) از روستاهای بخش قوشخانه در دامنه‌ی کوه‌های گلیل و سرانی دفن شده و سرش را برای امپراتور روس به شهر روی برده بودند.

در ادامه محققان و تاریخ‌نویسان هموطن که پیش‌تر در این زمینه زحماتی را متحمل شده، نیاززدایی کرده‌اند، سپاس‌گزارم و هیچ نیتی در نفی و تعارض احتمالی با متون گذشته نداشته‌ام.

امام‌الله حامدی فر «مهاجر»

آذرماه ۱۴۰۳

مقدمه

بهشت کوچک جا بندگان غربت
سنگربانان اصلی هر شهری مرز نشینان آن کشورند و همیشه مرزها خط مقدم دفاعی کشورها هستند و حفاظت تمامیت ارضی، بدون حفظ جغرافیای مرز امکان پذیر نیست. خطه‌ی شمالی کشور و شمالی ترین نقطه‌ی مرزی خراسان، پیوسته در طول تاریخ، سپرد دفاعی به بیم اشغال همسایه‌ی شمالی بوده است و همواره مردان و زنانی از جان گذشته، مقابل دشمن جنایتکار خارجی ترکمن‌ها، از یک‌ها و اشرار اسلحه به دست گرفته و جان بزرگوار استاده‌اند.

در برهه‌ای از تاریخ ننگین دوران ناصرالدین شاه قاجار که طولانی‌ترین عمر پادشاهی اش را با ننگ و ذلت گذراند، به سبب ضعف و خردمندی و گریز از قهر تزار روس، قرارداد «آخال» بین او و تزار روس امضا و خطه‌ی شمالی کشورمان به متجاوزان روس هبه شد. آنچه از تاریخ مبهم آن روزها به دست آمده، مبارزه‌ی زنان و مردان فیروزه، با قروچند پارچه کلاته در جوار کوه‌های کپه داغ و مارکوه است. سردار عیوض خان یا عیوض خان و مردان تیره‌ی جلالی، دوازده سال با ابرقدرت روس جنگیدند و تسلیم نشدند و جنگی نابرابر چریکی مقابل ارتشی منظم داشتند. آن چنان به متجاوزان می‌تاختند که دمار از روزگارشان درآورده بودند. متأسفانه به علت محدودیت‌هایی که برای آن دلاور مردان وجود داشته و

کینه‌توزی‌های دستگاه قجری و مهم‌تر اینکه آن خطه به روسیه ملحق شده و اکنون جزو خاک کشور ترکمنستان است، سندی متقن از جزئیات نبرد جلالی‌ها با روس متجاوز، در دسترس نیست و آنچه باقی مانده، نقل و اقوالی است که سینه‌به‌سینه درباره‌ی رزم قهرمانانه‌ی آن شیرمردان و شیرزنان منتقل شده است.

بر ماست که قلم دردست گیریم و حماسه‌ی هموطنان در غربت مانده‌ی خود را غبارزدایی کرده و تاریخ فراموش شده‌ی اجدادی‌مان را همچون چشمه‌ای خشک، احیا کنیم. باشد که نسل‌های امروز و فردا از رشادت‌ها و فداکاری‌های گذشتگان سیراب شوند، سرمشق بگیرند و پویایی و حیات دوباره در بخشی از رگ‌های خشکشان، ملن به جریان افتد.

فتحعلی شاه، شاه‌خسته و خوش‌گذران قاجار، دلخوش به چاپلوسی درباریان و دست‌بوسی اطرافیان متعاهد بود. در حالی که شمال و جنوب کشور به اشغال روس‌ها و انگلیسی‌ها درآمده بود. شاه در مانده‌ی قجری به جای بسیج مردمی، بدون هیچ مقاومتی، بر امتیازات دسترس‌ناپذیر روس‌ها اکتفا می‌کرد با باج‌دادن به استعمارپیر، طمع سیری‌ناپذیرش را خاموش می‌کند. مهم‌ترین باج‌دهی، جزایر ایرانی در خلیج فارس بود که به عنوان پارک ملی در برابر روس‌ها به بریتانیا واگذار شد. بریتانیا نیز متعهد شده بود که مقابل روس‌ها از ایران حمایت کند؛ حال آنکه انگلیسی‌ها به تعهدات خود عمل نکردند و هیچ‌گاه در برابر تجاوز روس‌ها از ایران حمایت نکردند.

قابل توجه خوانندگان عزیز:

بر اساس پیمان‌های ننگینی که در دوران شاهان قاجار با دولت تزار روس امضا شده بود بیش از دو برابر مساحت کنونی کشور از ایران جدا شد. در دوران فتحعلی شاه، قراردادهای گلستان و ترکمانچای و در دوران ناصرالدین شاه قراردادهای ننگین آخال بین ایران و روسیه در اواخر قرن نوزده امضا شد. مناطق

مهم و وسیعی از شمال ایران که جدا شده و به همسایه‌ی زورگو واگذار شد، عبارتند از: خیه، بخارا، سمرقند، تاشکند، مرو، سرخس، نسا، ابیورد، عشق‌آباد، ورونه. پس از آخال، پیمان ذلت بارمودت، فیروزه و قصبه‌های تابعه را تسلیم تزار روس کرد؛ ولی مردم شجاع و دلیر بومی، به فرماندهی سردار عیوض خان جلالی دوازده سال جنگیدند و اجازه‌ی تعیین خطوط مرزی ذلت‌بار را ندادند. در ادامه هنگامی که کردهای بومی به فرماندهی سردار عیوض خان جلالی تسلیم نشده و فیروزه را تخلیه نکردند، پیمان مودت دو سال بعد از آخال به امضا رسید.